

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۸

## نقش جریان فکری سیاسی لیبرال در امنیت داخلی ج.ا.ایران

مصطفی ساوه‌درودی<sup>۱</sup>

حمیدرضا رفعتی<sup>۲</sup>

احمد رضا روزبهانی<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه بررسی ماهیت و عملکرد جریان‌های فکری-سیاسی، به عنوان حوزه‌ای مستقل مورد توجه مراکز دانشگاهی است. در مقاله حاضر، مواضع فکری و عملکرد جریان فکری-سیاسی لیبرال در سه دهه گذشته با رویکرد امنیت داخلی بررسی می‌شود. سوال اصلی مقاله «جریان فکری-سیاسی لیبرال در تحولات سیاسی-امنیتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه نقشی داشته است؟» است و پاسخ احتمالی که در قالب فرضیه می‌توان بیان کرد عبارتست از: «جریان فکری-سیاسی لیبرال با ترویج تفکر گرایش به غرب و تأکید بر جدایی دین از سیاست تلاش نموده تا بر هویت جامعه ایرانی و امنیت داخلی تأثیر بگذارد و نظام اسلامی را دچار استحاله نماید». روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و نظرسنجی میدانی با استفاده پرسشنامه استفاده شده است که با روایی سازه ۷۲٪ واریانس و آلفای کرونباخ ۰/۹۰ تأیید گردید.

**کلیدواژه‌ها:** جریان فکری، سیاسی، لیبرالیسم، لیبرالیسم ایرانی، امنیت ملی، حزب.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی M\_doroudi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی hrrafa 1390@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی (نویسنده مسئول) Rozbahan.a4829@yahoo.com

## مقدمه

جریان فکری - سیاسی لیبرال در دوران قاجار و به ویژه در عصر مشروطه به طور ناقص وارد ادبیات سیاسی کشور گردید. فردگرایی، آزادیخواهی، قانون‌گرایی و تساهل و تسامح مبانی اندیشه لیبرالیسم است که نفی خویشتن و گرایش به غرب را در جامعه ایرانی در پی داشت. رواج‌دهندگان تفکر لیبرالی بیشتر از طبقه متمول، فرنگ رفته و روشنفکران تجددخواه بودند که عامل عقب‌ماندگی ایران را گرایش به اسلام می‌دانستند. در عصر پهلوی، ترویج تفکر لیبرالی در درون دستگاه شدت گرفت و با باستان‌گرایی تلفیق گردید. جریان لیبرالیسم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در طیف وسیعی تعریف کرد که از مهمترین موارد آن لیبرال ملی (جبهه ملی) و دینی (نهضت آزادی) هستند.

فعالیت احزاب و گروه‌ها در نظام سیاسی امری طبیعی است و با دریافت مجوز و حرکت در چهارچوب کلی نظام در قوانین تعریف شده است؛ در غیر این صورت عملکرد آن‌ها به عنوان عامل تهدیدکننده امنیت داخلی محسوب می‌گردد. در سال‌های ابتدای انقلاب، عملکرد توأم با تعارض جریان لیبرال با تفکر اسلامی و به ویژه اختلاف در ایدئولوژی و نوع نگاه به غرب، به عنوان یک تهدید اساسی مطرح شد و فعالیت آن غیرمجاز اعلام گردید. پس از خاتمه جنگ و تغییر محیط سیاسی و حرکت نظام به سمت دولت‌گرایی، دست‌اندرکاران این جریان با برخی گروه‌های درون نظام همراه شدند و مواضع انتقادی را علیه حکومت اسلامی مطرح نمودند. این جریان به دنبال تحولات شبه لیبرالیستی در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، دوباره فعالیت خود را توسعه داده و به موازات موضع‌گیری گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب و تجدیدنظرخواه پیرامون مباحث تکثرگرایی<sup>۱</sup> و جامعه مدنی، مواضع انتقادی علیه نظام ج.ا.ا را اتخاذ نمودند. در دهه هفتاد، این جریان حضور خود را در جامعه و به ویژه در دانشگاه‌ها گسترش داده و با طرح مباحث مدرنیته و جامعه مدنی، جریان‌سازی و تحریک افکار عمومی علیه نظام را دنبال کرده و نظریه گذر از دوم خرداد را مطرح نمودند. این جریان بعد از انتخابات نهم در حاشیه قرار گرفت؛ اما تفکر آن به واسطه عملکردی که از خود برجای گذاشتند کم و بیش در جامعه و به ویژه در دانشگاه‌ها مطرح است که آثار آن در انتخابات دهم به صورت تهدیدی در امنیت داخلی متبلور گردید. مجریان جریان یادشده هم اکنون تلاش می‌کنند با طرح مواضع انتقادی در صحنه

---

1. pluralism

سیاسی - اجتماعی کشور، خود را به عنوان یک اندیشه سیاسی زنده مطرح نمایند. تاکنون تحقیق مستقل پیرامون نقش جریان فکری - سیاسی لیبرال در امنیت داخلی در مقطع زمانی مورد نظر انجام نشده است. به همین خاطر دغدغه اصلی نویسندگان، واکاوی مواضع فکری و عملکرد احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های لیبرال در سه دهه گذشته است.

#### اهداف تحقیق

مهم‌ترین هدف مورد انتظار تحقیق، واکاوی نقش جریان فکری - سیاسی لیبرال در تحولات سیاسی - امنیتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. در پژوهش حاضر اهداف عملیاتی افزایش شناخت، دانش و تشخیص نخبگان، مدیران و کارشناسان فرهنگی - سیاسی نسبت به جریان فکری - سیاسی لیبرال و نیز عملیاتی کردن فرامین و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در شناخت رفتار سیاسی جریان‌های سیاسی منتقد نظام مدنظر است.

#### سؤال و فرضیه تحقیق

سؤال اصلی عبارت است از «جریان فکری - سیاسی لیبرال در تحولات سیاسی - امنیتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه نقشی داشته است؟» و فرضیه اصلی که در پاسخ به سؤال اصلی می‌توان ارائه کرد «جریان فکری - سیاسی لیبرال با ترویج تفکر گرایش به غرب و تأکید بر جدایی دین از سیاست تلاش کرده است تا بر هویت جامعه ایرانی اثرگذاری نماید و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد»؛ است. جریان فکری - سیاسی لیبرال با نگاه به غرب برای کسب قدرت از طریق نزدیکی به جریان‌های سیاسی مذهبی درون نظام، تفکر ایدئولوژیکی جدیدی را در قالب اندیشه ملی - مذهبی مطرح کرد و بخشی از جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار داد. شیوه عملکرد آنها در دهه اول انقلاب (دوران دولت موقت) آشکار و در دهه‌های دوم و سوم با نزدیک کردن خود به جریان‌های هم‌فکر، تفکر انتقادی علیه حکومت اسلامی در پوشش نرم بوده است.

#### تعریف مفاهیم

متغیرهای مستقل و وابسته مقاله به ترتیب جریان فکری - سیاسی لیبرال و امنیت داخلی هستند که تعریف اصطلاحات اصلی بکار رفته در متغیرها به شرح زیر است:

۱- جریان فکری - سیاسی لیبرال: حرکتی است ایدئولوژیک برای کسب قدرت که در درون خود افراد، گروه‌های ذی‌نفع، فشار، احزاب، نهادها، سازمان‌ها، انجمن‌ها و جناح‌ها را دارد. این

جریان با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری، بر نظام سیاسی و هویت جامعه تاثیر می‌گذارد و در پی کسب قدرت است (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۲- لیبرالیسم<sup>۱</sup>: لیبرالیسم به مثابه نگرشی تجربی، عقلی و آزاداندیشی به زندگی است؛ یعنی انگیزه اساسی لیبرالیسم، پدیدآوری آزادی هر چه بیشتر برای فرد انسانی است (آربلاستر، ۱۳۶۷: ۱۹). این مکتب خواستار تضمین قلمرو اساسی برای آزادی فردی و بر شالوده فردگرایی مبتنی است و با هر مانع آزادی فردی مقابله می‌کند (برلین، ۱۳۷۱: ۲۵). اصول نظری آن اصالت فرد، رضایت و قرارداد، آزادی در داشتن حق انتخاب، قانون‌گرایی، جداسازی و تفکیک قوا است (توحید فام، ۱۳۷۸: ۱۳۵). جان لاک<sup>۲</sup> اعتقاد داشت دین تحمیلی پذیرفتنی نیست (بشیریه، ۱۳۷۴: ۷۷).

۳- لیبرالیسم ایرانی: ادامه نظری تفکر غرب‌گرایی است و مجموعه مفاهیم، مبانی جدید و چارچوب گفتمانی آن تفاوتی مبنایی با مفاهیم و مبانی و اهداف لیبرالیسم غربی ندارد (امیری، ۱۳۸۹: ۱۵). منظور از آن، جریان‌های سیاسی معتقد به اندیشه لیبرالی و تجددخواهی است که در تحولات سیاسی نقش دارند.

۴- امنیت ملی<sup>۳</sup>: امنیت از سه مشخصه نسبی بودن، ذهنی بودن و وجود یک رابطه منطقی بین امنیت و قدرت تشکیل می‌شود (آقایخشی، ۱۳۷۹: ۱۷۳). امنیت ملی در دو حوزه ایجابی و سلبی می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد و عبارتی چندوجهی است (روشندل، ۱۳۸۷: ۶-۷). امنیت ملی مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را محقق می‌سازد (چگینی، ۱۳۷۴: ۱۷). مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور کشور است. امنیت داخلی بخشی از امنیت ملی است، با این تفاوت که بیشتر معطوف به عملکرد احزاب، گروه‌های داخلی، ساختارها و توانایی‌های درونی کشور است.

### سیر تطور جریان فکری - سیاسی لیبرال

در دوره قاجار، دانشجویان اعزامی به خارج، سفرا، سیاحان و تجار در خط اول ارتباط با غرب و آشنایی با تفکر لیبرالیستی قرار داشتند (حائری، ۱۳۷۸: ۲۸۰). فراموشخانه، مجامع سری

---

1. Liberalism  
2. John Locke  
3. National Security

فراماسونری و آدمیت و احزاب اجتماعیون - اعتدالیون و ترقی خواهان تشکل های لیبرال محسوب می شدند (زرشناس، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۹). لیبرالیسم ایرانی تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب است. بازرگان می نویسد: «زندگی ای که ما امروز داریم، همه اش ارمغان غرب است». احزاب و گروه های لیبرال از جانب طبقه متوسط جدید - صاحبان حرفه های آزاد، روشنفکران مستقل، صاحب منصبان عالی رتبه و گروه های تجاری - حمایت می شوند و اعتقادی به تحولات انقلابی ندارند و فاقد پایگاه مردمی هستند (جاسبی، ۱۳۸۷: ۱۱). جایگاه طبقاتی لیبرالیسم ایرانی در قشر تحصیل کرده و مرفه شهری است. غرب گرایان ایرانی همواره به صورت محافظه کارانه در عرصه نظر و عمل، با التقاطی از مدرن و دینی حرکت کرده و در نهایت به مبانی اندیشه لیبرالیسم غربی رو کرده اند. به این ترتیب غرب گرایی لیبرال در یکصدوپنجاه سال اخیر به دنبال تحقق نظام سکولار در ایران بوده است (امیری، ۱۳۸۹: ۱۲ و ۱۵). گرچه فصل مشترک تمام گروه های تشکیل دهنده جریان فکری - سیاسی لیبرال در بعد از انقلاب، پذیرش ارزش های حاصل از تجدد غرب بود اما دوری و نزدیکی به ارزش های لیبرال و فاصله آنها از مکتب اسلام باعث شد تا طیف گسترده ای از این سنت فکری بعد از انقلاب با گرایش ملی گرا، باستان گرا، مذهبی گرا و سکولارگرا ایجاد شود (جاسبی، پیشین: ۱۰). گستره این لفظ برای کسانی که در عین داشتن معرفت دینی، نوگرا و متمایل به اندیشه های غرب هستند نیز به کار می رود. به طوری که نهضت آزادی با گرایش مذهبی، هوادار قانون اساسی سکولار و حکومت دموکراسی پارلمانی و جبهه ملی نیز تشکلی غیرمذهبی و خواستار تصویب قانون اساسی مشابه کشورهای دموکراتیک غربی بودند (همان: ۱۱). حزب ایران، جبهه ملی و سازمان های وابسته به آن در داخل و خارج از کشور، نهضت آزادی، جنبش انقلابی مردم ایران، جریان لیبرال ملی - مذهبی شامل گروه های نهضت خدایپرستان سوسیالیست، جنبش مسلمانان مبارز، گروه روند جدائی، جریان ایران فردا، حلقه کیان، دفتر تحکیم وحدت و شاخه علامه تحکیم از اجزای این جریان محسوب می شوند (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۱۸۳-۱۷۷). جریان فکری - سیاسی لیبرال قبل از پیروزی انقلاب؛ در چهارچوب قانون اساسی مشروطه حرکت کرد و به دنبال تغییر سلطنت نبود. در واقع در مرامنامه گروه های وابسته به این جریان، سلطنت، موهبتی الهی تلقی می شد. بازرگان در پاریس از امام خمینی (ره) خواست که با تداوم سلطنت موافقت کند (رضوی نیا، ۱۳۷۶: ۶۳-۶۲).

پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های لیبرال به منازعه با دیگر منظومه‌ها پرداختند. آنها در پی تأمین آزادی‌های سیاسی از طریق محدود کردن ساختار قدرت سیاسی و ایجاد جمهوری دموکراتیک بودند. جریان‌های اسلامی، لیبرال مذهبی و سکولار، چپ اسلامی و چپ سکولار برای دستیابی به قدرت رقابت کردند که در نهایت جریان اسلام‌گرا هژمون گردید (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۹ و ۳۵). بازرگان ماموریت، هدف و تعهد را خدمت به ایران از طریق اسلام می‌دانست (رضوی‌نیا، ۱۳۷۶: ۱۱۹). وی به «جمهوری دموکراتیک اسلامی» معتقد بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۱۶۰). بازرگان معتقد بود که به دنبال پیروزی انقلاب، حرکت جدیدی شروع شد که خلاف آرمان‌های حرکت اولیه انقلاب بود. وی مکتب‌گرایی را عامل این حرکت ناصحیح می‌دانست (سلطانی، ۱۳۶۷: ۲۹۹). جریان فکری - سیاسی لیبرال، وجوه تمایز اساسی با جریان اسلام‌گرا داشت که مسئله صدور انقلاب یکی از این موارد است. ابراهیم یزدی عقیده داشت: «قصد صادر کردن انقلاب را نداریم». با تشکیل مجلس خبرگان، اصل ولایت فقیه به عنوان پنجمین اصل قانون اساسی به تصویب خبرگان اول رسید که گروه نهضت آزادی با آن مقابله نمود (فرازی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). گروه‌های وابسته به این جریان با اتخاذ مواضع انتقادی علیه جریان اسلامی در موضوع قانون قصاص، تسخیر سفارت امریکا و همراهی احزاب چپ به ویژه سازمان مجاهدین خلق و ماجرای عزل بنی صدر، در جرگه مخالفان قرار گرفتند. سپس عوامل وابسته به این جریان به ویژه رهبران جبهه ملی با ماوا گرفتن در خارج از کشور و همکاری با سایر جریان‌های لیبرال و روشنفکران و ضدانقلابیون فراری، خط براندازی را دنبال کردند. آرمان آنها، روی کار آمدن نظام سکولار، تکنوکرات و وابسته به غرب در ایران بود (عاصف، ۱۳۸۷: ۱۶۸). این جریان برای مقابله با گفتمان اسلام‌گرا سعی نمود تا از حزب خلق مسلمان به عنوان یک جایگزین استفاده نماید. رئیس وقت پایگاه جاسوسی سیا در تهران می‌نویسد: «تشکیل ائتلاف لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب ضروری است» (دانشجویان پیرو خط امام، بی تاریخ: ۳۱-۳۰). احزاب و گروه‌های لیبرال سعی کردند به شریعت‌مداری نزدیک شده و ایشان را در مقابل امام خمینی (ره) قرار دهند. مقدم مراغه‌ای<sup>۱</sup> با اصول ولایت فقیه و شورای نگهبان قانون اساسی مخالفت کرد (جاسبی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۴).

۱. نماینده شریعت‌مداری در مجلس خبرگان

جریان فکری - سیاسی لیبرال، طرفدار تداوم ارتباط سیاسی و اقتصادی با غرب بود (استمپل، ۱۳۷۷: ۳۰۱-۳۰۰). کارتر می‌نویسد: «بازرگان با ما همکاری داشت و برای ما پیام‌های دوستانه می‌فرستاد» (کارتر، ۱۳۹۰: ۶۵). انجام مذاکره با نماینده ایالات متحده بدون اطلاع امام خمینی (ره)، به استیضاح دولت موقت و تسخیر سفارت آمریکا و استعفای دولت بازرگان منجر شد (بادامچیان، ۱۳۸۴: ۸۵). بازرگان درباره تسخیر سفارت موضع‌گیری نمود و از دانشجویان متصرف به عنوان دنباله‌رو شیطان یاد کرد. امام خمینی (ره) نیز از اقدام دانشجویان حمایت نمود (دارایی، ۱۳۸۸: ۴۴۰). افشای اسناد تلاش لیبرال‌ها در تضعیف نظام جمهوری اسلامی، مواضع این جریان را متزلزل کرد (جاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). دلیل مخالفت دولت موقت و نهضت آزادی با تصرف سفارت، ترس از دسترسی نیروهای انقلاب به اسناد وابستگی آنان به غرب بود. عباس امیر انتظام، ناصر میناچی، حسن نزیه و رحمت ... مقدم مراغه‌ای از جمله وابستگان جریان لیبرال بودند که اسناد ارتباط آنان با عوامل آمریکا افشاء شد (رضوی‌نیا، ۱۳۷۶: ۶۱). نهضت آزادی از این مقطع، خط براندازی نظام اسلامی را دنبال کرد (عاصف، ۱۳۸۷: ۱۶۸). مناقشه میان دو جریان لیبرال و اسلام‌گرا در دوران بنی‌صدر عمیق‌تر شد. جریان لیبرال با اتخاذ مواضع همسو با بنی‌صدر و سازمان مجاهدین خلق علیه نظام اسلامی ایستاد. حضرت امام خمینی (ره) پیرو تصمیم مجلس حکم عزل بنی‌صدر را صادر کرد. برخی از نمایندگان لیبرال<sup>۱</sup> در اعتراض به طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر از شرکت در نشست مجلس خودداری کردند. پس از برکناری بنی‌صدر، تظاهرات خشونت‌آمیز توسط لیبرال‌ها و مجاهدین خلق انجام شد و در پی شکست جریان لیبرال در تحریک افکار عمومی علیه نظام، ترور شخصیت‌های انقلابی اسلام‌گرا توسط مجاهدین خلق انجام شد (کاوشی، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۸ و ۱۴۱ و ۱۴۸).

به دنبال تصرف سفارت آمریکا، سازمان جاسوسی ایالات متحده هم‌زمان با تجاوز به طبس، در تدارک طرح‌ریزی کودتا علیه نظام اسلامی بود. تجاوز نظامی طبس و کودتای نقاب دو حلقه یک زنجیر واحد بود که در صورت موفقیت، براندازی نظام جمهوری اسلامی را در پی داشت. بختیار عضو جبهه ملی و حزب ایران به عنوان طراح براندازی تعیین شد و دولت تبعید را در پاریس تشکیل داد (سرابندی، ۱۳۸۳: ۲۵). ستاد بختیار با مساعدت عوامل حزب ایران و جبهه ملی، عملیات براندازی نظام اسلامی را اجرا کرد (کاوشی، ۱۳۸۸: ۴۹).

۱. مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی، یدالله سبحانی، احمد سلامتیان، احمد صدر حاج سید جوادی، احمد غضنفرپور و هاشم صباغیان

عملکرد جریان فکری - سیاسی لیبرال درباره جنگ، با تعارض همراه بوده است. این جریان در دوره اقتدار - دولت موقت - مواضع اصولی در برابر جنگ اتخاذ کرد و بر دفاع در برابر باطل تاکید نمود. نهضت آزادی پس از کناره‌گیری از قدرت، مواضع انتقادی نسبت به جنگ و مسئله صدور انقلاب اتخاذ کرد. بازرگان می‌نویسد: «وقتی اهداف انقلاب در حرکت دوم اوج گرفت و صدور انقلاب همراه مستکبر کوبی و کفرستیزی مطرح گردید، حمله عراق به عنوان ارمغانی از غرب با خونسردی پذیرفته شد». نهضت آزادی در دوران جنگ تحمیلی، به‌طور صریح و گزنده علیه نظام اسلامی انتقاد می‌نمود و بیشتر بیانیه‌های این گروه از طریق رسانه‌های خارجی منتشر می‌شد. این گروه در بیانیه «جنگ بی‌پایان» اعلان کرد: «آنچه فعلاً دیده می‌شود، جنگی است بی‌پایان که می‌تواند پایان ایران و مردم ایران باشد، گفته‌اند حتی اگر یک خانه هم در ایران سر پا بماند، باز به جنگ ادامه خواهیم داد» (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۳۶ و ۴۴۲). همچنین قطع‌نامه لزوم صلح پس از فتح خرمشهر را در کنگره پنجم و ششم صادر کردند. روزنامه لوموند با استفاده از پیام نهضت آزادی می‌نویسد: اغلب مسئولان ایرانی با راه حل مذاکره برای خاتمه جنگ موافقند و تنها امام (ره) خواهان جنگ است. نهضت آزادی در نامه دیگر اظهار می‌دارد: «آیا جنگ بی‌امان و همه‌گیر و پر از کینه و کشتار، در اساس کار شیطان و خواسته شیطان نیست. آیا وقت آن نرسیده که رهبر انقلاب، بازگشتی به خود و به خدای خود کرده و تجدید نظری در تصمیم گذشته بفرمایند» (بادامچیان، ۱۳۸۴: ۸۷).

جریان فکری - سیاسی لیبرال در دهه دوم انقلاب با توجه به سیاست تعدیلی دولت نسبت به تفکر بسط‌محور و صدور انقلاب، در پی نهادینه نمودن تفکر تساهل و تسامح مبتنی بر ارزش‌های غربی در جامعه بود و با توجه به نداشتن پایگاه مردمی تلاش کرد خود را به احزاب و گروه‌های سیاسی درون نظام نزدیک کند. این جریان با نزدیکی به حزب کارگزاران، سیاست ذوب شدن در نظام لیبرالیستی غرب را در پیش گرفت. سخنگوی وقت کارگزاران به صراحت اعلام کرد که حزبش دارای نگرش لیبرال - دمکرات است و از تدوین مانیفستی جدید درباره نسبت لیبرالیسم و اسلام خبر داد (مرعشی، ۱۳۸۵: ۳). کارگزاران با ترویج تفکر فن سالاری و تکیه بر نفوذی که در مدیریت اجرایی کشور داشتند، در حرکت جریان روشنفکری تاثیرگذار بودند. جریان فکری - سیاسی لیبرال نیز با طرح شبهه‌های درباره مبانی اندیشه اسلامی، ولایت فقیه و کارایی فقه در جامعه، حرکت سازمان‌یافته برای براندازی را مدنظر داشت. در دوران سازندگی،

گرایش‌هایی از روشنفکری دینی در قالب آرای نئولیبرال و روش‌شناسی پوزیتیویستی، حقیقت دین را مسخ کرد و اعتقادات و باورها و ارزش‌های لیبرالی را با رنگ و لعاب دینی نظریه‌پردازی و ترویج نمود (میرسلیم، ۱۳۸۴: ۲۹۹). جریان لیبرال با توجه به رقابت سیاسی میان جریان سنت‌گرا با کارگزاران سازندگی بر سر کسب قدرت از یک سو و نیز رقابت جریان اصلاح‌طلب با جریان سنت‌گرا و کارگزاران از سوی دیگر، سعی کرد مواضع خود را به جریان‌های تجدیدنظرخواه، اصلاح‌طلب و کارگزاران نزدیک کند و به ترویج تفکر لیبرالی و تحریک افکار عمومی جامعه علیه نظام بپردازد.

جریان فکری - سیاسی لیبرال در اوایل دهه ۱۳۷۰ تلاش کرد تا نفوذ خود را در جریان فکری اصلاحات تقویت کند و هدف آن، تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی - اجتماعی به نفع نظم فکری لیبرالی بود. ظهور جریان اصلاح‌طلبی، رشدیافته جریان فکری بود که تحت عنوان حلقه کیان شکل گرفت و در دولت اصلاحات متبلور گردید. در ریشه‌یابی چگونگی ظهور اندیشه جامعه مدنی و کثرت‌گرایی می‌توان به عوامل ذهنی (آزادی، حاکمیت قانون، دفاع از نهادهای مدنی، نفی خشونت، تاکید بر اجماع و وفاق درباره قانون اساسی) و عینی (رشد و گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد، گسترش ارتباطات و تعاملات بین‌المللی و رشد طبقه متوسط شهری) اشاره نمود. حلقه کیان با رویکرد لیبرالی به مرکزی برای اشاعه تفکر تجدیدنظرطلبی محافل ملی - مذهبی و روشنفکری دینی مبدل شد (نظری، ۱۳۸۷: ۲۲۹). این محفل با ترکیبی از لیبرال، اصلاح‌طلب و تجدیدنظرخواه، مباحث معرفت‌شناختی و فلسفی مبتنی بر رویکرد نوگرایی را مطرح کرد و غرب‌پژوهی را راهبرد خود قرار داد و با تلفیق تجارب تمدن بشری غرب و درونی کردن آن با ارزش‌های بومی، بر انگاره‌های لیبرالی تأکید و با شعار توسعه سیاسی و پیوستن به نظام جهانی، به سوی تفکر غرب حرکت کرد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۴). سازمان‌دهندگان اصلی جریان سیاسی دوم خرداد در کیان؛ تاویلی از اسلام و پلورالیسم دینی را ارائه کردند که دین را بشری و ولایت فقیه را استبداد دینی می‌دانست. گروه آیین، حلقه اتصال نظرات لیبرالی و اصلاح‌طلبی و تریبون طرح مفاهیم نو سیاسی گردید. در این محفل، تفکر کلام جدید و اصلاح‌طلبی و لیبرالی به هم پیوند خورد و نگرش جامعه مدنی و توسعه سیاسی شکل گرفت. در پی تحقق توسعه سیاسی و دموکراسی، نظریه‌پردازی «فشار از پایین و چانه زنی از بالا»، «فتح سنگر به سنگر» و «حاکمیت دوگانه» جلوه‌گر شد. حجاریان می‌گوید: «این را به صراحت

اعلام می‌کنم که به پاره‌ای از قرائت‌ها از ولایت فقیه که شبیه سلطنت فقیه است، نه اعتقاد قلبی و نه التزام عملی دارم». «تفکر افرادی که مردم را شهروند درجه دو می‌دانند و برای مردم تنها تکلیف قائلند، تفکری فرعون‌ی است و الهی نیست». چنگیز پهلوان می‌گوید: «تمدن علمی مدرن سراسر جهان را خواهد گرفت و کشورهای آسیایی هنگامی می‌توانند موثر باشند که تفسیر درستی از نو و کهن ارائه دهند. جریان لیبرال در پی رد صلاحیت کاندیدای خود در انتخابات ریاست جمهوری هفتم، از نامزد جریان اصلاحات حمایت کرد (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۴۶). این جریان با طیف اصلاح طلب همسو شد تا جناح اصول‌گرا را تضعیف کند و با پیروزی جریان اصلاح طلب و تشکیل دولت اصلاحات، نمادسازی تفکر لیبرالی نوین را مدنظر داشت (امیری، ۱۳۸۹: ۵۲). حجاریان معتقد بود: جنبش دوم خرداد با طرح مطالبات مردمی - فشار از پایین - و چانه‌زنی نخبگان سیاسی پیش می‌رود. جامعه مدنی، فشار توده‌ای را نهادینه و به بالا منتقل می‌سازد. نخبگان از حضور گسترده مردم در صحنه استفاده می‌نمایند و با چانه‌زنی، انسداد سیاسی را برطرف می‌کنند (میرسلیم، ۱۳۸۴: ۴۴۴). علیرضا رجایی عضو طیف ملی - مذهبی می‌گوید: «من در راه‌اندازی روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط، عصر آزادگان و خرداد نقش داشتم. ما در حال گذار از یک ایدئولوژی سیاسی به ایدئولوژی سیاسی دیگر هستیم. هدف نهایی ما، دمکراتیزاسیون سیاسی در حکومت است» (قمری وفا، ۱۳۸۰: ۲۶۳).

جریان فکری - سیاسی لیبرال در دهه سوم با نزدیکی به احزاب و گروه‌های اصلاح طلب درون نظام، بحران‌سازی فکری و موج اعتراض در سطح جامعه را خواستار گردید. تبلیغ تفکر لیبرالی در میان نسل جوان در جهت کسب پایگاه اجتماعی در طبقه متوسط شهری از اهداف آن بود (خالقی راد، ۱۳۷۸: ۲۱). حرکت در جهت ایجاد شورش‌های اجتماعی با هدف براندازی نرم و ساقط نمودن حاکمیت اسلامی به وسیله تردید افکنی جدی در کارایی مذهب و زیر سؤال بردن حکومت اسلامی، مدنظر این جریان بود (علوی نیک، ۱۳۸۸: ۲۹۳-۲۹۵). شرکت در جلسات اپوزیسیون خارج از کشور با هدف به چالش کشیدن نظام اسلامی، از دیگر موارد بود. کنفرانس برلین با موضوع «ایران پس از انتخابات» با حمایت اپوزیسیون خارجی برگزار گردید. در این جلسه، رهبران تجدیدنظر طلب و لیبرال<sup>۱</sup> (خالقی راد، ۱۳۷۸: ۳۵) سرفصل‌های اصلی کنفرانس را

۱. اکبر گنجی، عزت اس. سحابی، حسن یوسفی اشکوری، حمید رضا جلالی‌پور، کاظم کردوانی، علی افشاری، علیرضا علوی تبار، چنگیز پهلوان، محمد دولت‌آبادی، فریبرز رئیس دانا، محمد علی سبزانلو، ابراهیم شیخ، شهلا لاهیجی، جمیله کدیور، مهرانگیز کار، شهلا شرکت و خدیجه حاج مقدم.

تحت عناوین بازانديشي در ساختار حکومت و بررسی راهکار استحاله نظام اسلامی تبیین کردند. شرکت کنندگان عقیده داشتند که هرگونه تغییری در ایران، باید از داخل کشور صورت پذیرد و فعالیت‌های اپوزیسیون از پایگاه داخلی برخوردار باشد (صفایی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۴).

فعال کردن موج لیبرالیستی در دانشگاه‌ها در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و صدور بیانیه برای خدشه‌دار کردن نظام و هدایت جریان‌های اپوزیسیون در قالب ملی - مذهبی برای مقابله با نظام و زیر سؤال بردن مجلس خبرگان رهبری و نظارت استصوابی و درخواست از مردم برای تحریم انتخابات، از محورهای مدنظر این جریان است (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۴۷-۴۴۶). این فرایند هم‌زمان با آشکار شدن تغییر و تحول رادیکالی در فضای سیاسی جامعه و رشد ذائقه روشنفکری دینی ایجاد گردید. لیبرالیسم نو در دامن روشنفکری دینی رشد یافت و سوار بر دوش جنبش دانشجویی و تحرک وسیع دفتر تحکیم وحدت - طیف علامه - گسترش یافت. واژگان کلیدی جریان نوین لیبرالی در محیط دانشجویی آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، پلورالیسم، جامعه باز، قانون‌گرایی و حقوق شهروندی بود (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۳). طیفی از لیبرال‌های دینی، ملی و ناب در دفتر تحکیم تشکیل شد. طرفداران نظریه لیبرالیسم ناب، به مکتب سیاسی بدون قید ملیت و اسلامیت اعتقاد دارند و هم اکنون به عنوان نیروی اپوزیسیون عمل می‌کنند (خرمشاد، ۱۳۸۶: ۳). رهبران جریان فکری - سیاسی لیبرال در دانشگاه‌ها به دنبال ایجاد بحران فکری با تحریک افکار عمومی و جریان‌سازی بودند. عزت ... سبحانی در حین سخنرانی در دانشگاه تهران، دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم را به آشوب دعوت کرد و عنوان داشت: «فضا اگر عدم آرامش و عدم ثبات و تشنج را اقتضا می‌کند، آرامش جایی ندارد. فضای حقیقی به ما القا می‌کند که مقاومت کنیم و نه آرامش، این مقاومت باید فعال و اجرایی باشد» (قمری وفا، ۱۳۸۰: ۱۷۰). جلسات «سیر تحول جنبش دانشجویی» در حسینیه ارشاد با حضور اعضای دفتر تحکیم وحدت و ملی - مذهبی‌ها برگزار شد. حبیب ... پیمان گفت: «دانشجویان باید خواسته‌ها و مطالباتی را که برای رسیدن به اهداف خود تعیین می‌کنند، با اهداف و مشی مبارزه ملت ایران هماهنگ کنند». نهضت آزادی طی بیانیه‌ای درباره حوادث کوی دانشگاه اعلام کرد: «نهضت آزادی ایران ضمن حمایت از خواسته‌های قانونی دانشجویان، به مسئولان جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد که اگر با عوامل تشنج و آشوب در جامعه و نیروهای تهدیدکننده آزادی و حقوق اساسی ملت برخورد نشود، کیان جمهوری اسلامی به مخاطره

خواهد افتاد» (ذکریایی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). سحابی می‌گوید: «میزان توحش مهاجمان در حادثه کوی دانشگاه، بیش از موارد دیگر بوده و متأسفانه تمام این اقدامات از سوی مدعیان اسلام انجام گرفته است». برخی شخصیت‌های ملی - مذهبی<sup>۱</sup> با انتشار بیانیه‌هایی به مناسبت حوادث کوی دانشگاه تهران، همراهی خود را با جنبش اصلاح طلبی اعلام نمودند (ذکریایی، ۱۳۷۸: ۱۷۴). عبدالعلی بازرگان با اظهار نگرانی از فعالیت جناح‌های درون نظام برای حل ابهامات در نظارت استصوابی، آن را جفایی به ملت قلمداد کرد و افزود: «بحث خودی و غیرخودی بوی تنگ نظری و انحصارطلبی می‌دهد» (قمری‌وفا، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۲). ابراهیم یزدی می‌گوید: «دو دهه حکومت به نام دین و عملکردی نه چندان قابل دفاع در قلمرو مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بسیاری از مسلمانان را به تفکر و طرح سؤالات جدی پیرامون توانمندی‌های دین در حل مسائل پیچیده جامعه کنونی واداشته است و نسل جوان را به طور قابل ملاحظه‌ای دین‌گریز و در مواردی دین‌ستیز نموده است» (یزدی، ۱۳۸۶: ۷۰). ادوارد شرلی، مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران گفت: «کلید اصلی برای ایجاد یک تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران، از بین بردن خصوصیات انقلابی رژیم است. اگر نظام ولایت فقیه از هم بپاشد، آنگاه می‌توان گفت جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده است» (شرلی، ۱۳۸۸: ۱۸).

در ابتدای دهه چهارم انقلاب، جریان فکری - سیاسی لیبرال در اعتراضات انتخابات دهم، با جریان اصلاح طلب معترض و گروه‌های موسوم به جنبش سبز همراهی نمود. این جریان در آستانه انتخابات، به اختلاف اصول‌گرایان با یکدیگر و نفوذ و جاذبه ایدئولوژی اصلاحات در میان بخش‌هایی از جامعه شهری امید داشت. تلاش نظریه‌پردازان لیبرال، جذب تمام گفتمان‌های ناراضی و قدرت‌های معارض نظام در یک جبهه بود که مانند سطحی موزائیک‌وار، در نهایت به قدرتی بزرگ در جهت حاکمیت تفکر اصلاحات تبدیل شود. این اقدامات به ناکامی مبدل گردید و سناریوی اغتشاش و نافرمانی مدنی اجرا شد. این جریان سیاسی در حوادث پس از انتخابات، همگام با جریان اصلاحات و سایر گروه‌های اپوزیسیون، در ذیل جنبش سبز مطالبات جمهوری ایرانی، نفی ولایت فقیه و نفی حمایت از جنبش‌های اسلامی را در طبقه مرفه شهری مطرح کرد (گنجی، ۱۳۸۹: ۶). تعدادی از عناصر وابسته به جبهه ملی<sup>۲</sup> به علت تحریک افکار

۱. عبدالعلی بازرگان، محمد بسته نگار، حبیب ا. پیمان، محمد توسلی، غلامعباس توسلی و عزت ا. سحابی

۲. محمدحسین شریف زادگان، امید محدث، صدرالدین بهشتی، صالح نقره‌کار، تقی رحمانی، میثم محمدی، فریبا ابتهاج، مصطفی میراحمدی‌زاده، یونس

رستمی، پیمان عارف، حمیدرضا خادم و فریبرز رئیس دانا

عمومی برای شرکت در تظاهرات و راه‌اندازی تجمعات غیرقانونی و هم‌سوئی با اپوزیسیون مخالف نظام جمهوری اسلامی و ایراد تهدید علیه امنیت ملی و مصاحبه با رسانه‌های بیگانه از جمله رادیو فردا و صدای آمریکا در جهت تحریک افکار عمومی برای گسترش ناراضیتی و ایجاد بحران شهری و تبلیغ علیه نظام در قالب نگارش مقاله و تاسیس تشکیلی به نام همبستگی با دانشجویان زندانی، از سوی دادگاه انقلاب محکوم شدند (زعیم، ۱۳۹۰/۷/۱۶: ۱). کورش زعیم در همایش جبهه ملی ایران در اروپا از جبهه ملی به عنوان امید آینده ایران یاد کرد (همان، ۱۳۸۹/۳/۹: ۱). وی در مصاحبه با «اخبار روز» می‌گوید: «جنبشی که به نام سبز در ایران شهرت یافته، جنبش دادخواهی مردم ایران و آغازگر یک تحول بنیادین در منطقه است» (همان، ۱۳۹۰/۲/۲۱: ۲). عزت‌الله سبحانی و صدر حاج سید جوادی از رهبران ملی - مذهبی، در حمایت از اصلاحات، بیانیه مشترک صادر کردند و از کاندیدای اصلاح‌طلبان حمایت نمودند. به دنبال وقایع عاشورای سال ۱۳۸۸، عبدالکریم سروش همراه عبدالعلی بازرگان، عطاءالله... مهاجرانی، محسن کدیور و اکبر گنجی در بیانیه‌ای موسوم به «خواست‌های بهینه جنبش سبز» مطالبات جریان برانداز را مطرح کردند.

جریان فکری - سیاسی لیبرال در جریان بحران شهری پس از انتخابات دهم، مهم‌ترین نقطه قوت نظام اسلامی یعنی ولایت فقیه را هدف قرار داد و با همراهی جریان موسوم به جنبش سبز، به مقابله با آن پرداخت (امین آبادی، ۱۳۹۰: ۳۸). اهداف رهبران آن عبور از چهارچوب‌های تفکر دینی و حمایت علنی از لیبرالیسم و مبارزه فکری با نظام اسلامی با معیارهای مورد تأیید غرب بود. رهبران جریان لیبرال با حضور فعال در صحنه اعتراضات تلاش کردند تا خود را به عنوان یکی از جایگزین‌های مهم حاکمیت اسلامی نزد کشورهای خارجی و همچنین گروه‌های معاند داخلی مطرح کنند. در جریان اعتراضات، نهضت آزادی با جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب و سران معترضان روابط پنهانی داشت و درصدد تهاجم خزننده و نرم علیه نظام اسلامی بود (صدیقی، ۱۳۸۹: ۴۵). روح غالب و هدف نهایی همه کوشش‌های پیچیده و رنگارنگ فکری - سیاسی این جریان، همانا مبارزه با اسلام فقه‌تبی، تفکر اصیل دینی، حکومت دینی و اصل ولایت فقیه به عنوان جان و جوهر انقلاب اسلامی است (گنجی، ۱۳۸۹: ۸۹).

## روش تحقیق

۱- انتخاب روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات

روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی است که به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی اطلاعات آن گردآوری و با روش تجزیه و تحلیل کیفی - استدلالی نتیجه‌گیری شده است.

۲- جامعه آماری و حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

استادان جریان‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی و کارشناسان سیاسی - امنیتی و صاحب‌نظران جریان‌شناسی در حوزه احزاب سیاسی در محدوده جغرافیایی شهر تهران، جامعه آماری محسوب شدند. حجم نمونه شامل ۱۲۰ نفر در ۴ گروه (هر گروه ۳۰ نفر) تعیین گردیدند.

۳- تعیین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات، روایی و اعتبار پرسشنامه

پرسشنامه محقق‌ساخته با سئوالات بسته با تعداد ۲۵ سوال طراحی گردید. مقیاس مورد استفاده در پرسشنامه، ترتیبی<sup>۱</sup> و از نوع پنج‌گزینه‌ای<sup>۲</sup> طیف لیکرت که نظرات پیرامون سئوالات استخراج و نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون فرض میانگین محاسبه شد. پرسشنامه تهیه‌شده پس از اخذ نظر استادان راهنما و مشاور تعدادی از پژوهشگران مشخص شد از روایی صوری برخوردار است و اعتماد و پایایی<sup>۳</sup> با روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و اصلاحات لازم به عمل آمد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات با محاسبه نمره هر پاسخگو که مجموع نمرات وی در هر گزاره است، انجام شد. برای تفسیر نمرات پاسخگویان از روش آزمون فرض میانگین استفاده شد.

در تجزیه و تحلیل آماری انجام شده با انجام آزمون توزیع<sup>۱</sup> برای گویه‌های ۱ تا ۲۵ پرسشنامه، با سطح معنی‌داری ۰.۰۵٪ بررسی انجام شد که مشخص شد که همه گویه‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند (مقدار sig کمتر از ۰.۰۵٪ است؛ یعنی احتمال قرار گرفتن نمونه‌ها در دو طرف منحنی نرمال کمتر از ۰.۰۵٪ است).

1. Ordinal

۲. از عدم توافق کامل تا توافق کامل با ارزش عددی ۱ تا ۵

3. Reliability

از بین سوالات پرسشنامه، گویه‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۳ و ۲۵ معیار سنجش فرضیه است که برای تجزیه و تحلیل آنها از روش آزمون فرض میانگین مطابق جدول استفاده شد که در این رابطه، فرض‌های آماری زیر تعریف شده و مورد تحلیل قرار گرفته است: فرض صفر ( $H_0$ ): میانگین پاسخ‌های داده‌شده به پرسش بزرگ‌تر یا مساوی ۴ است که بیان‌کننده گرایش مثبت حجم نمونه نسبت به فرضیه پژوهشی است و فرض یک ( $H_1$ ): میانگین پاسخ‌های داده‌شده به پرسش کوچک‌تر از ۴ است که بیان‌کننده گرایش غیر مثبت حجم نمونه نسبت به فرضیه پژوهشی است. با توجه به آزمون انجام شده نتایج تحلیل داده‌ها در جدول زیر تبیین گردید.

$h_0 = \mu_8 \geq 4$ و $h_1 = \mu_8 < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر نمونه درباره گویه شماره ۸ با میانگین $4/2$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_9 \geq 4$ و $h_1 = \mu_9 < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر نمونه درباره گویه شماره ۹ با میانگین $4/3$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{10} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{10} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر نمونه درباره گویه شماره ۱۰ با میانگین $4/3$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{13} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{13} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۱۳ با میانگین $4/4$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{14} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{14} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۱۴ با میانگین $4/4$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{15} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{15} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۱۵ با میانگین $4/5$ بیان‌کننده دیدگاه موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{19} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{19} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۱۹ با میانگین $4/06$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند.
$h_0 = \mu_{21} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{21} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۲۱ با میانگین $4/13$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{22} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{22} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۲۲ با میانگین $4/26$ بیان‌کننده نظر موافق با فرض صفر است که فرضیه را تأیید می‌کند
$h_0 = \mu_{23} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{23} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۲۳ با میانگین $2/58$ بیان‌کننده نظر مخالف با این گزینه است
$h_0 = \mu_{24} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{24} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۲۴ با میانگین $4/02$ بیان‌کننده نظر موافق با این گزینه است که فرضیه تحقیق را تأیید نمود
$h_0 = \mu_{25} \geq 4$ و $h_1 = \mu_{25} < 4$ فرض صفر ( $H_0$ ): نظر حجم نمونه درباره گویه شماره ۲۵ با میانگین $4/16$ بیان‌کننده نظر موافق با این گزینه است که در جهت تأیید فرضیه گرایش دارد

## نتیجه‌گیری

چارچوب ایدئولوژی جریان فکری - سیاسی لیبرال بر اساس تجدد، مدرنیته و تاکید بر قانون اساسی سکولار تبیین گردید. با توجه به بررسی‌های اسنادی انجام‌شده پیرامون فرضیه تحقیق مشخص گردید که این جریان در طول دوران فعالیت خود به عنوان تهدید نرم علیه امنیت داخلی ج.ا.ا مطرح بوده است. الگوی رفتاری آن به دور از خشونت‌طلبی و حاصل عملکرد آن، ایجاد دگرگونی در هویت اسلامی و باورها و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام اسلامی است. جریان لیبرال بر تحمیل الگوها و ارزش‌های مدنظر خود بر جامعه تاکید دارد و با به‌کارگیری روش‌های نرم، سعی می‌کند هویت جامعه اسلامی را دچار دگرگونی نماید. ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری نظام اسلامی، بحران‌آفرینی فکری در ارزش‌ها و باورهای سنتی جامعه و نهادینه نمودن الگوهای لیبرالی، از اهداف این جریان است. بررسی میدانی، نقش این جریان را بر امنیت داخلی ج.ا.ا در مقطع زمانی مورد نظر تأیید می‌کند. جریان لیبرال به نظام دموکراتیک از نوع پارلمانی مشروطه معتقد است و منظومه فکری آن بر پذیرش دیدگاه‌های غربی بر اساس تفکر جدایی دین از سیاست و تساهل و تسامح استوار است. اعتقادی به مبارزه با استکبار جهانی ندارد و بسط ارزش‌های غربی و تعارض با گفتمان اسلامی را مدنظر قرار دارد. تجزیه و تحلیل نظرات حجم نمونه، تاثیرگذاری منفی جریان لیبرال بر هویت اسلامی جامعه ایرانی را تأیید نمود. این جریان با اتخاذ مواضع انتقادی در دوران دولت موقت کوشید تا از نهادینه شدن گفتمان انقلاب با مفهوم اسلامی - ولایی جلوگیری کند. همچنین با تحریک افکار عمومی در سطح جامعه و دانشگاه، عملکرد فکری نرم در جهت جریان‌سازی داشته است. در دهه‌های دوم، سوم و ابتدای دهه چهارم با نزدیک کردن خود به جریان‌های سیاسی درون نظام، با ترویج تفکر گرایی به غرب حول محور جدایی دین از سیاست و به چالش کشیدن اصل ولایت فقیه، تهدید علیه امنیت داخلی ج.ا.ا محسوب گردید.

## منابع

۱. آریلاتسر، آنتونی. (۱۳۶۷). **ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب**، عباس فجر، تهران: پنگوئن.
۲. آقابخشی، علی. (۱۳۷۹). **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: چاپار.
۳. استمیل، جان دی. (۱۳۷۷). **درون انقلاب ایران**، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۴. امیری، جهاندار. (۱۳۸۹). **لیبرالیسم ایرانی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. امیری، جهاندار. (۱۳۸۶). **اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و...**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. امیری، جهاندار. (۱۳۸۹). **روشنفکر دینی: لیبرال یا دین‌مدار**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. امین‌آبادی، روح‌الله. (۱۳۹۰). **آن سوی نقاب**، تهران: درک نو.
۸. بادامچیان، اسدالله. (۱۳۸۴). **بررسی تحلیلی نهضت آزادی ایران**، تهران: بی جا.
۹. برلین، آیزایا. (۱۳۷۱). **دو مفهوم از آزادی در فلسفه سیاسی**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: الهدی.
۱۰. بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). **پیش درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل مذهبی**، تهران: علوم نوین.
۱۱. توحیدفام، محمد. (۱۳۷۸). **چرخش‌های لیبرالیسم**، تهران: روزنه.
۱۲. جاسبی، عبدالله. (۱۳۸۷). **احزاب و انقلاب اسلامی**، تهران: دفتر پژوهش تاریخ انقلاب اسلامی.
۱۳. چگینی، حسن. (۱۳۷۴). **مدیریت استراتژیک دفاعی**، تهران: دانشکده فارابی.
۱۴. حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۸). **نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با غرب**، تهران: امیرکبیر.
۱۵. خالقی‌راد، مسعود. (۱۳۷۸). **هویت چراغ کنفرانس برلین**، تهران: واژگان.
۱۶. خرمشاد، محمدباقر «مصاحبه»: «جبهه اصلاحات از بحران هویت...»، ۱۳۸۶/۷/۱۵، خبرگزاری فارس.
۱۷. خرمشاد، محمدباقر «سخنرانی»، ۱۳۸۸/۹/۱۶، هشتمین اردوی آموزشی دانشجویان کرمان.
۱۸. دارابی، علی. (۱۳۸۸). **جریان‌شناسی سیاسی در ایران**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. دانشجویان پیرو خط امام (۱۳۵۸/۹/۲۹) اطلاعیه: در خصوص ارتباطات عباس امیرانظام.
۲۰. رضوی‌نیا، علی. (۱۳۷۶). **نهضت آزادی**، تهران: بی جا.
۲۱. روشندل، جلیل. (۱۳۸۷). **امنیت ملی و نظام بین‌الملل (چاپ پنجم)**، تهران: سمت.
۲۲. زرشناس، شهریار. (۱۳۷۸). **اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران**، تهران: کیهان.

۲۳. زعیم، کورش (۱۳۸۹-۱۳۹۰). [kouroshzaim.blogfa.com](http://kouroshzaim.blogfa.com).
۲۴. ذکریائی، محمدعلی (۱۳۷۸). **هجدهم تیرماه ۷۸**، تهران: کویر.
۲۵. سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۳). **کودتای شب**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷). **خط سازش**، جلد اول و دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۷. شرلی، ادوارد (۱۳۸۸). **دشمنت را بشناس: خاطرات شرلی**، ترجمه مهدی جدی نیا، تهران: آتیه.
۲۸. شفیعی فر، محمد (۱۳۷۸). **در آمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی**، تهران: نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.
۲۹. صدیقی، محمد (۱۳۸۹). **جنبش دروغ، واکاوی حوادث انتخابات دهم**، اصفهان: فدک.
۳۰. صفایی، محمد (۱۳۸۰). **جبهه مشارکت ایران اسلامی**، تهران: نسل کوثر.
۳۱. عاصف، رضا (۱۳۸۷). **احزاب و گروه‌های سیاسی**، تهران: پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
۳۲. علوی نیک، سلمان (۱۳۸۸). **آسیب‌شناسی حزب مشارکت ایران اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). **انقلاب اسلامی، چالش‌ها و بحران‌ها**، قم: معارف.
۳۴. قمری وفا، مرتضی (۱۳۸۰). **براندازی در سکوت**، تهران: کیهان.
۳۵. کارتر، جیمی (۱۳۹۰). **ایران در خاطرات کارتر**، ترجمه ابراهیم ایران‌نژاد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۶. کاوشی، حسین (۱۳۸۸). **انقلاب اسلامی و ۶ کودتای شکست خورده**، تهران: مجمع فرهنگی شهید بهشتی.
۳۷. گنجی، عبدالله (۱۳۸۹). **جریان‌شناسی سیاسی انتخابات دهم**، تهران: فرهنگ اندیشه.
۳۸. مرعشی، حسین «مصاحبه با نشریه ذکر - ما لیبرال دموکراتیم»، ۱۳۸۵/۳/۵، رصدخانه.
۳۹. میرسلیم، مصطفی (۱۳۸۴). **جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی**، تهران: گروه جهاد دانشگاهی.
۴۰. نظری، علی اشرف (۱۳۸۷). **گفتمان هویت و انقلاب اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۱. یزدی، ابراهیم (۱۳۸۶). **آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها (چاپ دوم)**، تهران: قلم.
۴۲. یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۹). **در تکاپوی آزادی**، تهران: قلم.